

واکاوی شعائر انتظار ظهور در سرزمین‌های اسلامی با تأکید بر ایران (از افول عباسیان تا برآمدن صفویان)
منصور داداش‌نژاد^۱، علی آقانوری^۲، بتول مدنی دهخوارقانی^۳، مریم علیی^۴

چکیده

باور به ظهور حضرت مهدی (عج) اعتقادی ریشه‌دار در میان همه مسلمانان به‌ویژه شیعیان است. اخبار معصومین (ع) در مورد حتمیت ظهور حضرت مهدی (عج) و توصیه مؤکد بر فضیلت انتظار و عدم تعیین زمان ظهور، فرهنگ انتظار دائمی برای ظهور را در جوامع شیعی نهادینه کرده است. تظاهر آمادگی دائمی و انتظار ظهور به‌صورت نمادها و نشانه‌هایی در رفتار اجتماعی مؤمنین آشکار شده است که از آنها با نام شعائر انتظار ظهور یاد می‌شود. پژوهش باهدف واکاوی شعائر انتظار ظهور در سرزمین‌های اسلامی با تأکید بر جامعه ایران در بازه زمانی سقوط عباسیان تا برآمدن صفویان (۶۵۶ تا ۹۰۷ هـ.ق) به‌روش توصیفی - تحلیلی انجام شد. سپس شعائر که در دامنه تحقیق رایج و نیز در منابع قابل پی‌جویی بود احصاء و هشت مورد آن بررسی شد. همچنین ترتیب تاریخی وقوع شعائر و علل و عوامل شکل‌گیری آنها بررسی و تبیین شد. نتایج نشان داد که رواج شعائر انتظار ظهور برای شیعیان آن روزگار از نظر انسجام اجتماعی و استحکام عقیدتی ظرفیت‌ساز و مهم بوده است. در محدوده زمانی مورد بررسی، شعائر انتظار ظهور هم از نظر کمی و هم گستره جغرافیایی توسعه یافته بوده است. این شعائر در ظاهر ترکیبی از زمینه‌های اعتقادی شیعیان در مسئله مهدویت و فضیلت انتظار ظهور، سیطره حاکمانی که ادعای مسلمانی نداشتند و ستمگری آنها زیان‌زد بود. ظاهراً مهمترین عوامل گسترش شعائر انتظار ظهور، ترکیبی از زمینه‌های اعتقادی شیعیان در مسئله مهدویت، فضیلت انتظار ظهور، سیطره حاکمانی که ادعای مسلمانی نداشته و ستمگری آنها زیان‌زد بود؛ همچنین تلاش برخی از عالمان دینی برای امیدوار و پویا نگه داشتن جامعه شیعیان تلاش برخی از عالمان دینی برای امیدوار و پویانگه داشتن جامعه شیعیان مهمترین عوامل گسترش شعائر انتظار ظهور در این بازه زمانی، بوده است.

واژگان کلیدی: شعائر دینی، انتظار، ظهور، شعائر انتظار ظهور، مهدی موعود (عج).

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۵/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۲۴

۱. دانشیار و هیئت علمی گروه تاریخ اسلام، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

Email: m.dadash@yahoo.com

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ و فرق دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

Email: Aliaghanore@yhoo.com

۳. دانشجوی دکتری، رشته تاریخ تشیع اثنی عشری، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: b.madani.d@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری، رشته تاریخ تشیع، گروه تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران.

Email: maliee9700@gmail.com

Typology of the Rituals of Awaiting the Reappearance in the Islamic Lands (from the Mongol Invasion Up Until the Safavid Era)

Abstract

Mansoor Dadashnejhad¹, Ali Aghnoori², Batool Madani Dehkharegani³, Maryam Aleey⁴

Awaiting the reappearance has always been one of the key issues for Muslims, especially Shiites, and the rituals of awaiting the reappearance which represent that belief took on various forms throughout the Islamic lands. Finding examples, contexts, the different types and influences of the rituals from the time of the Mongol invasion up until the Safavid era was a concern that needed to be explored to which this research essay will respond using the analytical-descriptive method and by making reference to the studies on the history of Shiite societies. In order to open up this matter, first, the instances of rituals in their various types such as combat readiness, preparation of horses and swords, minting coins, etc. were identified, classified and examined. All the while, the most important historical contexts of the rituals of awaiting, which is obvious in all of the instances more or less, has been mentioned, which is the tyranny of the rulers despite the relatively calm political environment, along with the intellectual background of awaiting the reappearance amongst the people.

In the end, it became clear that the rituals of awaiting the reappearance had a special place in keeping the Shiite community and its religious values, such as Mahdawiyyaht (the belief in the coming of the promised saviour) alive, and passing it on to the next generations.

Keywords: Awaiting, Advent, Rituals of Waiting, the Promised Mahdi (PBUH).

Paper Type: Research

Data Received: 26/9/2024

Data Revised: 19/2/2025 Data

Accepted: 27/4/2025

1. Associate Professor and Faculty Member of the Department of Islamic History, Hawza and University Research Institute, Qom, Iran.

Email: mdadash@yahoo.com

2. Associate Professor and Faculty Member of the Department of Islamic History, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

Email: Aliaghanore@yahoo.com

3. Corresponding Author, PhD Student, Department of Ithna Ashari Shiism, Faculty of Shia Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

Email: b.madani.d@gmail.com

4. PhD student, Shia History, Department of Islamic History, Baqir-ul-Ulum University, Qom, Iran.

Email: maliee9700@gmail.com

شعائری که جوامع مختلف براساس عقاید، عرفیات و سایر شرایط محیطی خود می‌سازند بیانگر هویت جمعی آنها و تضمین‌کننده تداوم و حفظ آرمان‌های اجتماعی آنهاست. باور به ظهور حضرت مهدی (عج) از عقاید طیف گسترده‌ای از مسلمانان به‌ویژه شیعیان است که به تناسب شرایط و اقتضائات، آداب و شعائری را در جوامع مختلف اسلامی رقم زده است. شناخت شعائر انتظار ظهور و بررسی چگونگی شکل‌گیری و نوع ابراز شعائر انتظار، چگونگی سلوک جمعی شیعیان و منتظران ظهور را در شرایط سیاسی-اجتماعی مختلف نمایان می‌کند. مستند ساختن شعائر انتظار ظهور، دغدغه صاحب این قلم در نوشتار پیش‌رو بوده است. برای تحدید دامنه تحقیق، بازه زمانی از سقوط عباسیان (۶۵۶هـ.ق) تا آغاز حکومت صفویان (۹۰۷هـ.ق) به دلیل تحولات سیاسی-اجتماعی این فصل تاریخی انتخاب شد. پژوهش حاضر به‌روش توصیفی-تحلیلی از نوع مطالعه کتابخانه‌ای است که منابع و گزاره‌های تاریخی بررسی و گزارش تحقیق با توصیف موارد و تحلیل نکات مستخرجه مطرح شد.

دستیابی به چرایی پیدایش شعائر انتظار ظهور، پیامدها و تأثیرات آن بر جامعه ایرانی-اسلامی از اهداف پژوهش حاضر است. این شعائر پس از عباسیان و جایگزینی ایلخانان مغول به تدریج روبه فزونی نهاد و مشارکت مردمی بیشتری را به همراه داشت. برای دستیابی بهتر به اهداف پژوهش در دو فصل جداگانه، پیش‌زمینه‌های اعتقادی شعائر انتظار ظهور و آموزه‌های مهدویت در بیانات ائمه (ع) و اوضاع و احوال تاریخی جامعه مسلمین در بازه زمانی افول عباسیان تا برآمدن صفویان بررسی است. بدیهی است این شعائر بیشتر ریشه تاریخی دارد و از گذشته (قبل از بازه زمانی موردنظر نوشتار حاضر) به صورت جریانی زنده در میان مؤمنین وجود داشته است. وجود و رونق شعائر انتظار ظهور در اشکال همسو و گاه متفاوت، نمایانگر حضور پرشور شیعیان و دوستداران ائمه (ع) در اکناف بلاد اسلامی است. ستمگری و بیداد گسترده حاکمان به‌ویژه مغولان در بالا بردن احساس نیاز به منجی عادل در شکل‌گیری و تداوم شعائر انتظار ظهور بی‌تأثیر نبوده است.

۲. پیشینه پژوهش

با بررسی آثار و مقاله‌های منتشر شده و پایان‌نامه‌های موجود در پایگاه اطلاع‌رسانی مربوط به موضوعات مهدویت، انتظار ظهور، انتظار منجی و کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع نوشتار حاضر، اثری که به‌طور مستقیم مسئله شعائر انتظار ظهور را بررسی کرده باشد، یافت نشد. فقط مقاله رسم‌های انتظار ظهور مهدی (عج) در جهان اسلام (از قرن چهارم تا یازدهم) (۱۳۹۶) اثر سید زین‌العابدین صفوی و سید مسعود شاه‌مرادی در این

مورد نوشته شده است. این مقاله در کنار مفید بودن به تعداد محدودی از شعائر انتظار در مقطع زمانی مورد نظر اشاره دارد و همه موارد را بررسی نکرده است. اهمیت موضوع و رواج این شعائر در جامعه اسلامی و زوایای مختلف آن نیاز به پژوهش گسترده‌تر در این زمینه را ضروری می‌کند.

همچنین پایان‌نامه بررسی پدیده روبه رشد انتظار و ظهور منجی (مهدویت) در عصر ایلخانیان، به راهنمایی علیرضا کریمی و دانشجو کبری جعفرزاده، (سال ۱۳۹۵) به صورت غیرمستقیم به برخی از شعائر انتظار اشاره می‌کند. جعفرزاده در توصیف اثر پژوهشی خود نوشته است: «در این پژوهش، علل پیدایش و رشد اندیشه منجی‌گرائی و مهدویت و پیامدهای آن به روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است و در نتیجه نشان داده شده است که مدعیان قدرت، از اندیشه‌های مهدویت شیعه برای رسیدن به اهداف خود بهره گرفته‌اند. (جعفرزاده، ۱۳۹۵) علاوه بر اختصاص دامنه تحقیق به عصر ایلخانیان، رویکرد نویسنده در پژوهش فوق متفاوت از رویکرد مقاله حاضر است، البته در مواردی به تناسب مبحث به برخی از شعائر انتظار ظهور نیز اشاره شده است. برای مثال در بیان چگونگی رشد پدیده انتظار ظهور با اشاره به تبعات استیلای مغولان در ایران که موجب گسترش فساد و ظلم و ستم بر مردم و نابسامانی، فقر و... شده بود، می‌گوید: «در چنین شرایطی مردم بیش از هر زمان دیگری احساس نیاز به مسئله ظهور امام عصر (عج) داشتند. بنابراین، مردمان این عصر برای رسیدن به عدالت، برچیدن ظلم و فساد و حاکمیت مغولان، جذب افرادی شدند که حرکت و نهضت خود را با ادعای مهدویت آغاز کرده بودند. در این دوره انتظار، منجی‌گرایی بیش از عصرهای دیگر در عقاید و افکار مردم (شیعیان) و حتی غیرشیعیان رسوخ کرد. طوری که در برخی از شهرها هر روز مردم به انتظار منجی به دروازه شهرها می‌رفتند و به انتظار امام غایب می‌نشستند» (جعفرزاده، ۱۳۹۵).

پایان‌نامه اندیشه مهدویت در حکومت‌های شیعی از قرن چهارم تا نهم هجری اثر محمد محبی (۱۳۹۵) با وجود تفاوت رویکرد پژوهشی با مقاله حاضر به ضرب سکه و حرکات نمادین برای انتظار ظهور اشاره کرده است. در این پایان‌نامه بیان شده است: «در قرن هشتم نیز حکومت سربداران برپایه مذهب اثنی‌عشری در ایران شکل گرفت. در این حکومت نیز بحث مهدویت بسیار مورد توجه بود و ضرب سکه به نام دوازده امام و حرکات نمادین برای آمادگی برای ظهور در این راستا بود. اسماعیلیان نیز در مغرب و مصر و سپس در ایران موفق به تشکیل حکومت شدند» (محبی، ۱۳۹۵).

چنان‌که پیشتر گفته شد، در مقاله نخست اگرچه قرابت محتوایی وجود دارد، اما نویسندگان متمرکز در بررسی شعائر انتظار ظهور نبوده‌اند. بنابراین، تمام شعائر را نیز بررسی نکرده‌اند. در دو اثر اخیر نیز شعائر

انتظار ظهور مسئله مورد بررسی نبوده است، بلکه با رویکردهای متفاوت، هریک جنبه‌ای از مسئله مهدویت را بررسی کرده‌اند و گاهی از حرکات نمادین انتظار ظهور نیز سخن گفته‌اند، اما انتظار ظهور مسئله آنها نبوده است.

۳. مفهوم‌شناسی

۳-۱. انتظار

انتظار به معنی مترصد بودن، چشم به راه بودن و انتظار کشیدن است. انتظار به معنی عدم رضایت از وضعیت موجود و انتظار عملی برای تغییر آن و حاصل شدن وضعیتی مناسب است. انتظار در اصطلاح، استعداد و آمادگی پیدا کردن هم از نظر ایمانی و اعتقادی و هم از نظر عملی برای استقبال از ولی عصر (عج) است (فتلاوی، ۱۴۲۵/۴۹).

۳-۲. شعائر انتظار

«شعار» در لغت به معنی نشان و علامت و نشانه گروهی از مردم است تا به وسیله آن یکدیگر را بشناسند. شعار به معنی نشان و علامت سلطان یا امیر یا خرّقه‌ای مانند علم سیاه یا سفید و یا کلمه‌ها که طریقه و آیین او را نمودار کند، است. شعائر، جمله‌ای است که در پایین نشان یا درفش یک منطقه دیده می‌شود. (دهخدا، ۱۳۷۷) شعائر، جمع شعیره و به معنای علامت، سمبل، نشانه و یا نماد است. گاه سمبل و نماد مذهب و بیانگر ایده‌ها و آرمان‌های مکتب است. گاهی مکانی است همانند معبدی مقدس و محلی الهی (قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ۴/۴۴؛ قاموس قرآن، ۴/۴۴؟؟؟) شعائر در اصطلاح، هر علامت و نشانه‌ای است که برای یک گروه، قوم، ملت یا امت وضع شده است و ویژگی‌هایی دارد. شعائر انتظار، اعمال و یا اشیایی است که توسط جماعتی، نمادی از اعتقادات شیعیان در مورد انتظار ظهور شده و در ملأعام هم رؤیت شده باشند مانند ضرب سکه مهدوی، آمادگی رزمی برای یاری‌رسانی به مهدی موعود (عج)، تهیه اسب و شمشیر برای ایشان، برافراشتن پرچم، تجمع کنار سرداب، تشکیل حکومت مهدوی و سلام دادن به ایشان.

۴. پیش‌زمینه‌های اعتقادی شکل‌گیری شعائر انتظار ظهور

آموزه‌های پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) در مورد مهدویت و انتظار ظهور مهدی موعود (عج) مهمترین پیش‌زمینه برای عطف توجه مؤمنین به تولید شعائر انتظار ظهور است. از پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) روایات زیادی در این زمینه به دست رسیده است. ایشان در روایتی انتظار فرج ظهور را برترین عبادت (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۱/۲۸۷) و در روایت دیگر آن را برترین جهاد می‌داند (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۷). در جای دیگر فرمود: «بهشت برای صبرکنندگان در غیبت آن حضرت است و بهشت برای باقی‌ماندگان در محبت

اوست» (ابن طاووس، ۱۳۷۴، ص ۳۴۴). امیرالمؤمنین (ع) در حدیثی منتظران فرج را مانند شهیدانی می‌داند که در راه خدا در خون خود می‌غلطند (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۶۴۵/۲). امام حسین (ع) نیز صبرکنندگان در غیبتش بر اذیت‌ها و تکذیب‌ها را مانند مجاهدان با شمشیر در سپاه پیامبر (ص) می‌داند (ر.ک.، ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۳۱۷/۱). امام سجاد (ع) فرمود: «هرکه در دوران غیبت قائم ما بر ولایت ما ثابت قدم باشد خداوند پاداش هزار شهید مانند شهدای بدر و احد را به او عطا می‌فرماید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۲۵/۵۲). امام موسی بن جعفر (ع) فرمود: «افضل العباد بعد المعرفه انتظار الفرج؛ بافضیلت‌ترین عبادات بعد از معرفت پروردگار، انتظار فرج است. (مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۸، ۴۲۴/۵).

در برخی از روایات، آموزه انتظار ظهور به شکل آمادگی نظامی برای ظهور بیان شده است. امام صادق (ع) فرمود: «هریک از شما باید خود را برای خروج قائم آماده کند هرچند با فراهم کردن یک تیر، که خدای تعالی هرگاه آن را از نیت او بداند امیدوارم که در عمر او را به تأخیر اندازد تا آنکه قائم را درک کند و از یاران و یاوران او باشد» (نعمانی، ۱۳۷۳). روایت دیگر که بر ضرورت آمادگی نظامی و جهادی دلالت دارد حدیثی است که کلینی به سند خود از امام موسی کاظم (ع) نقل می‌کند: «هرکس اسبی را به انتظار امر ما نگاه دارد و به سبب آن دشمنان را خشمگین سازد و او به ما منسوب باشد، خداوند روزیش را فراخ گرداند و شرح صدر به او عطا کند و به آرزویش برساند و یار وی بر حوائجش باشد» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵۳۵/۶). دسته دیگری از روایات متضمن توصیه مؤمنین به دعا برای ظهور حضرت مهدی (عج) و توفیق همراهی با ایشان و جهاد و شهادت در رکاب آن بزرگوار است.

از امام زین العابدین (ع) دعاهایی نقل شده است که در آنها برای حضرت دعا کرده است. ایشان شیوه‌ای از انتظار را به شیعیان آموزش داد. در دعای بعد از ظهر جمعه آمده است: «اللهم اشتر نفسي الموقوفة عليك المحبوسه لامرک بالجنه مع معصوم من عتره نبیک تملأ به الارض عدلاً وقسطاً» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۸۵/۴)؛ همچنین در دعای عرفه صحیفه سجاده می‌فرماید: «واجعلنا له سامعین مطیعین وفی رضاه ساعین و المنتظرین». امام زین العابدین (ع) در جای دیگر با دعا برای حضرت می‌فرماید: «اللهم صل علی محمد و آل محمد و فرج عن آل محمد» و در ادامه دعا از خدا می‌خواهد که در زمره موالی و شیعیان حضرت باشد. همچنین از خدا می‌خواهد شهادت در رکاب حضرتش را نصیب او کند درحالی که خداوند از ایشان راضی باشد (صحیفه سجاده، ۱۳۹۳، دعای ۴۷). امام صادق (ع) فرمود: «هرکس بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید: اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم؛ نمی‌میرد تا اینکه قائم را درک کند» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ هـ.ق). ایشان نیز برای اینکه خودش یاری‌دهنده آن جناب باشد و در رکاب حضرت شهید شود، دعا

کرد. مثل این دعا که در روایتی طولانی در مورد فضیلت روزه، نماز و دعای بعد از آن برای روز عید غدیر فرمود و در انتهای آن چنین دعا کرد: «و ارزقنا نصر دینک مع ولی هاد منصور من اهل بیت نبیک و اجعلنا معه و تحت رایته شهداء صدیقین فی سبیلک و علی نصره دینک» (مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۸، ۳۸۵/۵).

دعای عهد معروف نیز از امام صادق (ع) به شیعیان رسیده است که فرمود: «هرکس چهل صباح آن را بخواند از یاوران قائم خواهد باشد و چنانچه زودتر بمیرد خداوند او را از قبر بیرون می‌آورد درحالی‌که هزار حسنه به وی عطا و هزار گناه از او محو کرده است». در این دعا امام (ع) به شیعیان آموخت که چگونه به حضرت حجت (عج) از جانب خود و جمیع مؤمنین مشرق و مغرب و از جانب والدین خود سلام دهند و چگونه آرزوی بودن در رکابش و شهادت در کنارش را از خداوند بخواهند (مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۸، ۳۹۰/۵).

از امام موسی بن جعفر (ع) نقل است که بعد از نماز عصر دست‌های خود را به سوی آسمان بالا می‌برد و می‌فرمود: «و درود فرست بر محمد و آل او، و تعجیل فرما در فرج منتقم از دشمنانت» ((مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۸، ۴۲۷/۵). آن حضرت با رفتار عملی خود به شیعیان آموخت که برای تعجیل در فرج ظهور دعا کنند. امام رضا (ع) نیز در دعایی فرمود: «و ما را از یاری‌دهندگان به وی در یاری رساندن به دینت قرار بده» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱). ایشان توصیه می‌فرمود که در نماز وتر برای فرج ظهور قائم آل محمد (عج) دعا کنند و از خدا بخواهند که دعوت وی را ظاهر کند، در خروجش تعجیل فرماید، لشکرش را یاری دهد و زمانش را نزدیک کند (منسوب به علی بن موسی (ع)، ۱۴۰۶ هـ.ق). امام جواد (ع) فرمود: «بعد از نماز فریضه برای ظهور حضرت حجت (عج) این‌گونه دعا کنید: «اللهم ولیک الحجه، فاحفظه و اجعله القائم بأمرک و اشف صدورنا و صدور قوم مؤمنین» (ابن الفقیه، ۱۴۱۶).

امام عسکری (ع) در پاسخ سؤال‌کننده‌ای که چگونگی صلوات بر نبی و اوصیایش را پرسیده بود در قسمت مربوط به قائم (عج) دعایی طولانی آموزش داد که در بخش‌هایی از آن فرمود: «اللهم انصره و انتصر به لدینک و اظهر به العدل، و ایده بالنصر واجعلنی اللهم من أنصاره و أعوانه و أتباعه و شیعتہ الہ الحق آمین» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱). بنابر روایات، امام عصر (عج) در قنوت نمازش برای تعجیل فرج ظهور خود دعایی کند (مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۸، ۳۶۷/۶). ایشان در نامه‌ای نوشت: «برای تعجیل در ظهورم دعا کنید که ظهور من به نفع شما و موجب فرج و گشایش امور شما خواهد بود» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۶۸۵/۳).

ملاحظه مجموعه روایات منقوله از ائمه (ع) که تواتر اجمالی بر لزوم انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) دارند به این نکته رهنمون می‌شود که یکی از مهمترین عوامل زمینه‌ساز شعائر انتظار ظهور بعد اعتقادی است که برپایه آموزه‌ها در وجود مؤمنین شکل گرفته است.

۵. اوضاع و احوال سیاسی-اجتماعی سقوط عباسیان تا برآمدن صفویان (۶۵۶هـ ق - ۹۱۱هـ ق)

در این بازه زمانی استیلای دو دوره حکومت فراگیر و مقتدر ایلخانان مغول و تیموریان و یک دوره حکومت های محدود و منطقه‌ای امیران مغول (۶۵۴ - ۷۵۶ ق)، سربداران (۷۸۸ - ۷۳۶هـ ق)، مرعشیان (۱۰۰۵ - ۷۶۰هـ ق)، مشعشعیان (۸۴۵ - هـ ق)، آق‌قویونلوها (۸۵۷ - ۹۱۰هـ ق) و قره‌قویونلوها (۷۸۰ - ۸۷۴هـ ق) بوده است. چنگیزخان مغول نخستین بار در سال ۶۱۶هـ ق به خراسان حمله کرد. وی پس از کشت و کشتار عظیم مردم مناطق مختلف و نابود کردن بسیاری از سرزمین‌های اسلامی در سال ۶۲۴هـ ق به مغولستان بازگشت و همانجا درگذشت. در سال ۶۴۸هـ ق منگوخان بزرگ یا قاآن با اعزام برادرانش هولاکو و قوییلای به ترتیب به ایران و چین پیروزی‌های مغولان را تحکیم و تکمیل کرد. هولاکو با فتح ایران در سال ۶۵۱هـ ق و فتح بغداد در سال ۶۵۶هـ ق سلسله ایلخانان ایران را بنیان نهاد و تا سال ۷۵۰ به صورت پراکنده ادامه یافت. (اقبال، ۱۳۸۷، زریاب، ۱۳۷۳، ۸۸۹/۲) فتح ایران به دست هلاکوخان جدای از کشتار عظیم مردم و نابود کردن اقتصاد ایران پیامدهای مهمی مانند پایان کار اسماعیلیان، انقراض خلافت عباسیان و رشد و گسترش تشیع را به دنبال داشت. ایلخانان در ابتدا شمن‌باور و برخی نیز بودایی بودند، اما به تدریج به اسلام گرویده، در دین و فرهنگ ایرانی هضم و جزئی از ایرانیان شدند (اقبال، ۱۳۸۷؛ زریاب، ۱۳۷۳، ۹۳۸/۲).

اواخر حکومت ایلخانان (حدود سال ۷۵۰هـ ق) که با ضعف و پراکندگی همراه بود، ایران شاهد ظهور حکومت‌های منطقه‌ای و ملوک‌الطوایفی در عرصه سیاسی و به وجود آمدن نهضت‌های انقلابی ضد ایلخانان مانند سربداران بود. ملوک‌الطوایفی سراسر ایران را دچار اغتشاش‌های طولانی کرد و خاندان‌های گوناگون محلی را در برابر یکدیگر به پیکار واداشت. پیکارهای میان فرمانروایان محلی، باعث غارت‌ها و کشت و کشتارهای بسیاری در آبادی‌ها، شهرها و ولایات گوناگون شد. این شهرها و ولایات هر از چندی دست به دست می‌گردیدند. در اواخر دوره ایلخانان، امیران محلی در مناطق مختلف حکمرانی می‌کردند مانند چوپانیان (۷۴۵ - ۷۵۷هـ ق) در آذربایجان و اران و ولایات جبال، سربداران (۷۳۶ - ۷۸۸هـ ق) در خراسان، سبزوار، اسفراین و جویین، جلایریان (۷۴۰ - ۸۱۳هـ ق) در عراق عرب و بعدها در تمام قلمرو چوپانیان، طغاتیاموریان (۷۳۷ - ۷۵۴هـ ق) در جرجان و خراسان غربی، آل کرت (۶۴۳ - ۷۹۲هـ ق) در هرات و خراسان شرقی، ملوک شبانکاره (۴۴۸ - ۷۵۶هـ ق) در بخشی از فارس، اتابکان سلغری (۵۴۳ - ۶۸۵هـ ق) و قراختاییان (۶۱۹ - ۷۰۳هـ ق) در فارس و کرمان، آل اینجو (۷۳۷ - ۷۵۹هـ ق) در فارس و اصفهان، اتابکان لر (۵۵۰ - ۸۲۷هـ ق) بین اصفهان تا خوزستان، اتابکان یزد (۵۳۶ - ۷۲۸هـ ق) در ولایات

تابع آن حوالی و شماری امیرنشین در طبرستان که از هم مستقل و باهم درحال ستیز بودند. در همین دوران، قراقویونلوها، آق‌قویونلوها و مرعشیان نیز در مناطقی حکومت می‌کردند.

تیموریان یا گورکانیان ایران (۷۷۱ - ۹۱۱ هـ.ق) دودمانی مغول‌تبار بودند. تیمور گورکانی بنیانگذار این سلسله کشورگشایی خود را از آسیای میانه آغاز و سپس به خراسان و همه بخش‌های ایران و عثمانی و بخش‌هایی از هندوستان گسترش داد. پس از وی، شاهرخ موفق شد تاحدی قدرت و اعتبار کشور را نگهداری کند. بعدها، سلطان حسین بایقرا در سال ۸۷۳ هـ.ق بر هرات استیلا یافت. او با ایجاد ثبات نسبی و احیای رونق فرهنگی در خراسان توانست حدود ۳۵ سال در آنجا حکومت کند. (خواندمیر، ۱۳۸۰، ۱۷۲/۱) سلطان حسین در سال ۹۱۱ هـ.ق درگذشت. شیبک‌خان ازبک با استفاده از کشمکش‌های شاهزادگان تیموری در سال ۹۱۳ هـ.ق هرات را گرفت و به سلطه دوپست‌ساله تیموریان در خراسان پایان داد. تیموریان از نظر مذهبی ابتدا تابع قوانین مغولی یاسا بودند، ولی شاهرخ در ۸۱۵ هـ.ق قوانین یاسا را لغو و فقه اسلامی را جانشین آنها کرد. پس از او نیز بیشتر فرمانروایان تیموری مانند سلطان حسین بایقرا به رعایت سنن اسلامی پایبند شدند (خواندمیر، ۱۳۸۰).

تیموریان پس از پذیرش اسلام پیرو مذهب حنفی شدند، اما با پیروان مذاهب دیگر با تسامح برخورد می‌کردند (میرخواند، ۱۳۸۵، ۵۳۳۴/۶). در این شرایط، شیعیان با آزادی بیشتری به تبلیغ مذهب خود می‌پرداختند تا آنجاکه شاعران شیعه نیز در سطح گسترده به ستایش ائمه (ع) اقدام کردند (صفا، ۱۳۷۸، ۵۶/۴). در این دو قرن و نیم، جامعه اسلامی شاهد شرایط متفاوت سیاسی-اجتماعی بود. گاه متلاطم و تأسف‌بار و گاه آرام و مناسب‌تر بود. در آغاز استیلای هریک از دو دولت فراگیر آن دوران یعنی، ایلخانان و تیموریان با قتل و غارت و ویرانگری مردم را به‌ستوه آوردند، اما پس از تثبیت حاکمیت و خاتمه درگیری‌های نظامی، شرایط زندگی و فعالیت‌های فرهنگی و دینی بهتر می‌شد. در فاصله اضمحلال ایلخانان تا استیلای تیمور یعنی، در دوران حکومت‌های منطقه‌ای و محلی که حدود پنجاه سال به‌طول انجامید، به‌دلیل نزاع‌های دائمی حکومت‌های محلی شرایط زندگی آرام برای مردم فراهم نبود.

۶. مصادیق شعائر انتظار ظهور براساس ترتیب تاریخی

۶-۱. رفتن به بیرون شهر در کاشان

اولین مورد از شعائر انتظار ظهور از نظر تقدم زمانی در پژوهش حاضر متعلق به جامعه شیعی کاشان است که هر صبح یراق پوشیده، بر اسب سوار شده از شهر بیرون می‌رفتند به انتظار آنکه صاحب و امام ایشان ظاهر شود و چون آفتاب بلند می‌شد باز به شهر برگشته به یکدیگر می‌گفتند: «امروز هم نشد». یاقوت

حموی (م ۶۲۶) نویسنده کتاب معجم البلدان و قزوینی (م ۶۸۲) نویسنده کتاب آثارالبلاد که هر دو در قرن هفتم زندگی می‌کردند از ابوالعباس احمد بن علی بن بابیه قاشانی عالم قرن ششم که کتابی درمورد فرق شیعه تدوین کرده بود گزارش یاد شده را نقل کرده‌اند (حموی، ۱۳۸۳، ۲۹۶/۴؛ قزوینی، ۱۳۷۳). این دو نویسنده هرچند از استمرار آن رسم در زمان خود یاد نکرده‌اند، اما با توجه به پایداری این گونه شعائر و با مراجعه به منابع بعدی می‌توان استمرار آن را به دست آورد. یکی از منابع مزبور کتاب فیروزیه است؛ براساس گزارش این کتاب که نوشته افندی از عالمان عصر صفوی است، مردم کاشان شیعه بودند و از قدیم‌الایام مراسم انتظار را انجام می‌دادند. پیش از صفویان مردم کاشان برای مدتی به تسنن گرایش پیدا کرده بودند، ولی در عصر صفوی با تلاش مرحوم کرکی، تشیع در میان ایشان تقویت شد به گونه‌ای که در این عصر در هیچ ناحیه از آن ولایت، کسی اهل تسنن نبود (جعفریان، ۱۳۷۳، ۴۲۶/۱). بنابراین، تداوم این برنامه نه تنها گویای حب و عنایت مردم منطقه به ظهور حضرت و برگزاری نمادین این مراسم است، بلکه از سیاست هیئت حاکمه نسبت به برگزاری مکرر و مردمی مراسم مذکور که همراهی و تعامل یا عدم تعرض بود نیز خبر می‌دهد.

۶-۲. مراسم جمعی کنار سرداب سامرا

به گفته قزوینی (م ۶۸۲ هـ.ق) جمع شیعیان سامرا همیشه اسبی سمند با زین و یراق طلا، کنار سردابی که حضرت غایب شد نگه می‌داشتند که در زمان سنجر سلجوقی (حکمرانی ۵۱۱-۵۵۲ هـ.ق) برپا می‌شده است (قزوینی، ۱۳۷۳، ۴۵۴) که پیش از بازه زمانی مورد بررسی در پژوهش حاضر است، ولی منابع بعدی از استمرار این اجتماع بزرگ شیعیان در عهد ایلخانان گزارش می‌دهند. یکی از این گزارش‌ها از صفی‌الدین بغدادی (م ۷۳۹) در مرصع الاطلاع است. وی می‌گوید: «از شهر سامرا فقط قسمتی به نام عسکر باقی است که امامین عسکرین (ع) در آنجا مدفون هستند و سردابی وجود دارد که به گمان روافض، فرزند حسن بن علی (ع) در آنجا غائب شده و آنها تا زمان حال منتظر ظهور اویند» (صفی‌الدین بغدادی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۶۸۵/۲). ابن تیمیه (م ۷۲۸ هـ.ق) گزارش مشروح‌تری در این بازه ارائه کرده است: «شیعیان در شهرهای مختلف از جمله سرداب سامرا اسبی را نگاه می‌دارند تا حضرت هنگام خروج بر آن سوار شود. آنها بین روز یا وقت دیگر کنار سرداب درحالی که مسلح و آماده نبردند، جمع شده از حضرت درخواست خروج می‌کنند» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۴۴/۱). وی نه تنها خبر از اجتماع بزرگ شیعیان منتظر ظهور سامرا داده است، بلکه آن را به شهرهای دیگر نیز تعمیم می‌دهد؛ اگرچه گزارش ابن تیمیه ممکن است مبالغه‌آمیز باشد، اصل پابندی شیعیان به اجرای شعائر انتظار از سویی و قدرت مذهبی-سیاسی جامعه شیعیان را از سویی دیگر اثبات می‌کند.

گزارش دیگر از نظر تأخر زمانی از این‌کثیر (م ۷۷۴ هـ.ق) است. وی پس از اشاره به مراسم جمعی انتظار ظهور شیعیان در سامرا از تاجری رافضی مذهب به نام ابوالسعادات یاد می‌کند که هر جمعه لباس جنگ می‌پوشید، پشت درب خانه حضرت به انتظار ظهور می‌ایستاد تا ایشان را یاری کند. (ابن‌کثیر، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۸/۹؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۴۳/۱۳) بعد از ابن‌کثیر، گزارش ابن بطوطه (م ۷۷۹ هـ.ق) است که از سامرا دیدن کرده و می‌گوید: «شیعیان در سامرا مثل حله، مشهد صاحب‌الزمان دارند» (ابن بطوطه، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۸۰/۲). از مجموع گزارش‌ها می‌توان نتیجه گرفت که اجتماع بزرگ شیعیان سامرا در مورد انتظار ظهور از اوایل قرن ششم تا اواخر قرن هشتم برپا بوده و از نظر سیاسی هم حکومت وقت مخالفتی نداشت؛ زیرا گزارشی از مخالفت و یا مانع شدن وجود ندارد.

۶-۳. مراسم ویژه سرداران و اعلام آمادگی برای ظهور امام (عج)

نهضت سرداران (۷۳۶ ق-۷۸۸ هـ.ق) با تمسک به شاعری مانند نزدیکی ظهور و ترویج شاعری مانند بیرون آمدن صبحگاهان و توقف در دروازه شهر به انتظار مهدی موعود (عج) جلوه دیگری از شاعر انتظار ظهور را به‌نمایش گذاشت. سرداران با تمسک به شاعری مانند نزدیکی ظهور، تلاش کردند مردم را گرد خود جمع کنند و در صحنه نگه دارند. (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ۷۸/۱؛ میرخواند، ۱۳۸۵) شیخ خلیفه که شخصیت معنوی سرداران بود، اندیشه‌های مهدوی را باور داشت و همراهی مردم او را به این باور رساند که ظهور نزدیک است. پس از وی، شیخ حسن جوری با شعار «قرب‌الوقوع بودن ظهور»، کار خود را پیش برد. جان‌اسمیت در توضیح اندیشه انتظار ظهور حسن جوری می‌نویسد: «جوری با اتخاذ نوعی ایدئولوژی که هسته اعتقادی آن، ظهور قریب‌الوقوع امام دوازدهم (عج) بود و اینکه تمام مسلمین باید خود را برای کمک به او آماده کنند تشکیلاتی مرکب از پیشه‌وران و تجار که معتقد به این آیین بودند، ایجاد کرد» (جان اسمیت، ۱۳۶۱).

بعد از اختلافات بین سران و بزرگان سردار، رهبری آنها به خواجه علی مؤید رسید. پیش از این، اندیشه شیخی از نظر شخصیت‌های اولیه قیام بر جریان سرداران تأثیر داشت که در اظهار شاعر تشیع از جمله انتظار ظهور سعی بلیغ کرد. (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ۳۶۶/۱) خواندمیر با تأیید تشیع خواجه علی مؤید می‌نویسد: «به امید ظهور صاحب‌الزمان (عج) هر صبح و مساء انتظار می‌کشید» (خواندمیر، ۱۳۸۰، ۳۶۶/۳). بنابراین، سرداران توانستند با پررنگ کردن شاعر مهدوی در جامعه تشنه ظهور، همراهی گسترده و کم‌نظیر طبقات مختلف اجتماعی را به‌دست آورند. باتوجه به گزارش‌های ذکر شده درباره حکومت سرداران عوامل زمینه‌ساز حکومت با محتوای مهدوی و همراهی جامعه را می‌توان در بیزاری مردم از ستم

مغولان، گسترش مسئله انتظار ظهور میان شیعیان و بهره‌گیری سردمداران قیام از اندیشه‌ها و شعائر انتظار ظهور مهدوی دانست.

۴-۶. اجتماع ندبه ظهور در حله

یکی دیگر از برنامه‌های اجتماعی شیعیان در مورد انتظار ظهور که با همکاری حکومت برگزار می‌شد مراسم ویژه مردم حله بود که جایی را برای محل ظهور حضرت ساخته بودند و در آنجا به انتظار ظهور، ندبه می‌کردند. مستوفی (م ۷۵۰هـ.ق) در نزه‌القلوب آورده است: «اهل حله، شیعه اثنی عشری و در کار مذهب به غایت متعصب باشند، مقامی ساخته و اعتقادشان آنکه امام‌المنتظر المهدی محمدبن حسن العسکری که در سنه ۲۶۴هـ.ق غایب شد، باز از آنجا بیرون خواهد آمد» (مستوفی، ۱۳۸۱). گزارش مستوفی بیانگر برنامه انتظار در قرن هشتم در حله است. پس از مستوفی، ابن بطوطه (م ۷۷۹هـ.ق) در گزارش خود از شهر حله با اشاره به مذهب اثنی عشری مردم حله به شرح مراسم انتظار ظهور می‌پردازد و می‌نویسد: «در نزدیکی بازار بزرگ حله مسجدی قرار دارد که آن را مشهد صاحب‌الزمان می‌خوانند، شب‌ها پس از نماز عصر صد مرد مسلح با شمشیرهای آخته پیش امیر شهر رفته از او اسب یا استری زین‌کرده گرفته به‌سوی مشهد صاحب‌الزمان روان می‌شوند، درحالی‌که پیشاپیش این چاربا، طبّل و شیپور و بوق می‌زنند. از آن صدتن، نیمی در جلو حیوان و نیم دیگر در دنبال آن راه می‌افتند و سایر مردم در طرفین حرکت می‌کنند و چون به آنجا می‌رسند برابر درب ایستاده، آواز می‌دهند: بسم‌الله ای صاحب‌الزمان، بسم‌الله، بیرون آی که تباهی روی زمین را فراگرفته و ستم فراوان گشته. وقت آن است که برآیی تا خدا توسط تو حق را از باطل جدا گرداند و به‌همین ترتیب به نواختن بوق، شیپور و طبّل ادامه می‌دهند تا نماز مغرب فرارسد» (ابن بطوطه، ۱۴۱۷هـ.ق، ۵۶/۲).

ابن بطوطه در سفر دیگر خود به حله از استمرار و برگزاری همان مراسم مجدد گزارش می‌دهد. (ابن بطوطه، ۱۴۱۷هـ.ق، ۱۷۴/۴) قلّشندی (م ۷۹۱هـ.ق) نیز با تأیید منتظر ظهور بودن جامعه شیعیان حله، برگزاری آن‌گونه مراسم را در زمان حیات خود تأیید می‌کند (قلّشندی، بی‌تا، ۲۳۲/۱۳). ابن خلدون (م ۸۰۸هـ.ق) که تا اوایل قرن نهم می‌زیست، می‌گوید: «شیعیان حله تا روزگار وی منتظر ظهور حضرت هستند و او را بدین سبب منتظر می‌نامند و هر شب بعد نماز مغرب جلوی در سرداب می‌ایستند، مرکبی همراه می‌آورند و او را با بانگ بلند صدا می‌زنند و می‌خواهند که بیرون بیاید تا اینکه ستارگان ظاهر می‌شوند، متفرق شده و شب بعد برنامه را تکرار می‌کنند» (ابن خلدون، ۱۴۰۸هـ.ق، ۲۴۹/۱). بنابراین، رسم انتظار ظهور حله با گونه ترکیبی مردم و حکومت از قرن هشتم که مستوفی از آن یاد کرده است تا قرن نهم

همچنان ادامه داشت. آنچه را می‌توان زمینه‌ساز شکل‌گیری شعائر انتظار ظهور در حله با شیوه خاص دانست شاید یادگیری از مناطق دیگر مانند سامرا که فاصله زیادی با حله ندارد و اعتقاد به انتظار ظهور و احساس نیاز به ظهور باشد.

۶-۵. ضرب سکه با شعائر مهدوی

در برخی مناطق شیعه‌نشین توسط برخی دولت‌های محلی شیعی، نوعی حرکت سیاسی-اجتماعی برای زنده نگه داشتن ایده انتظار ظهور شکل گرفت. این حرکت صبغه تمدنی داشت و نشانگر اعتقادات شیعی حاکمان و همراهی با عقاید و باورهای توده مردم و جامعه شیعه‌مذهب منتظر ظهور و عبارت بود از ضرب سکه‌های مزین به نام و القاب حضرت مهدی (عج) که حامل معانی اعتقادات شیعی مربوط به مهدی موعود (عج) مانند فرزند امام حسن عسکری (ع)، زنده بودن، سلطان حق بودن و انتظار ظهور ایشان بود. از بین ایلخانان، اولجایتو، هشتمین ایلخان مغول در سال ۷۰۹هـ.ق تشیع را به صورت رسمی پذیرفت و فرمان داد بر روی سکه‌ها اسامی ائمه (ع) نقش شود. این سکه‌ها تا پایان عمر اولجایتو (۷۱۶هـ.ق) با همین سجع شیعی ضرب شدند. علاءالدینی سکه‌های فراوانی از این دوره را بررسی و ۵۶ سکه به دست آورد که روی آنها نام حضرت با عبارت محمد الحجه، محمد خلف الحجه و الحجه ابن الحسن محمد و المهدی آمده است. (علاءالدینی، ۱۳۹۵)

دولت سربداران نیز که در قرن هشتم حضور فعال سیاسی داشت به ضرب سکه مهدوی اقدام کرد. درویش عزیز به سال ۷۵۹هـ.ق سکه‌ای ضرب کرد که عبارت سلطان محمد المهدی بر آن منقوش بود. (جان‌اسمیت، ۱۳۶۱) سکه تفره‌ای از دوره علی مؤید سربدار به سال ۷۷۰هـ.ق در سبزوار به دست آمده است که نام ائمه اثنتی عشر و امام دوازدهم با عبارت و محمد حجه‌الله بر آن نقش بسته است. (ترابی طباطبایی، ۲۵۳۵) سکه‌ای نیز با شعائر انتظار در دوره مرعشیان (۷۶۰-۷۹۴ یا ۹۲۹هـ.ق) ضرب شد که صلوات بر دوازده امام در حاشیه و عبارت محمد المهدی در مرکز آن بود (علاءالدینی، ۱۳۹۶). تغاتیمور مغول نیز سال ۷۳۸ و ۷۴۲هـ.ق سکه‌هایی با نام امامان شیعه به ضرب آمل زد. سکه دیگری نیز سال ۷۴۲هـ.ق در منطقه یافت شد که عبارت محمد الحجه را داشت (علاءالدینی، ۱۳۹۶). این شواهد حاکی است که در منطقه آمل، جامعه شیعیان موقعیت مناسبی داشتند به گونه‌ای که تعامل حکومت و شیعیان و وجود فرهنگ انتظار، نقش بستن شعائر شیعی بر سکه‌های منطقه را به دنبال داشت. سکه‌های ضرب شده در هفت سال پایانی سلطنت سلطان محمد خداپنده، حکومت سربداران و تغاتیمور، نه فقط گویای گرایش سلطان به تشیع است، بلکه حک نام حضرت با نام‌هایی مانند الحجه، خلف الحجه، المهدی، سلطان، حجت ابن الحسن و... علاوه بر آنکه

وجود اندیشه موعدگرایی شیعی و انتظار ظهور مهدی موعود (عج) را در میان دولتمردان توجیه می‌کند. شاهدی جدی بر زنده بودن ایده انتظار ظهور در میان توده مردم و ریشه‌دار بودن باور مزبور در جوامع شیعی به‌شمار می‌رود.

۶-۶. سلام جمعی به حضرت (عج) در مدینه

نوع دیگر از برپایی برنامه‌های اجتماعی-مذهبی انتظار ظهور، سلام دادن به حضرت و درخواست ظهور بود که در برخی شهرها توسط مردم اجرا می‌شد. به‌گفته ابن تیمیه، شیعیان مدینه نوعی از شعائر انتظار را در قرن هشتم که سادات حسینی حکمران بودند، اجرا می‌کردند. وی می‌نویسد: «آنها در جاهای دور از مشهد حضرت مهدی مانند مدینه در دهه آخر رمضان و یا اوقات دیگر رو به مشرق نموده او را با آهنگ بلند صدا زده و خروجش را درخواست می‌کنند» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۴۴/۱). شاید بتوان گفت این گزارش گویای سلام دادن به حضرت بود که اکنون نیز میان شیعیان متعارف است به‌گونه‌ای که بعد از نمازهای یومیه بر آن حضرت سلام داده و طلب فرج و ظهور وی را می‌کنند. وجود شاگردان با واسطه ائمه (ع) و تربیت‌یافتگان پسینی آنها و طرح مسائل انتظار ظهور در جامعه را می‌توان عامل پایداری آموزه مذکور دانست. همچنین حاکمان مدینه که پیش از عصر حاضر در برخی بازه‌های زمانی گرایش به تشیع داشتند (ر.ک.، ابن فرحون، بی‌تا) و گاهی از دانشوران شیعه حمایت می‌کردند (ر.ک.، ابن فرحون، بی‌تا) (شیعه نبودند) می‌توانستند زمینه ساز رواج شعائر انتظار میان شیعیان مدینه باشند.

۶-۷. خطبه خوانی حاکم به نام حضرت

سلطان حسین بایقرا (۹۱۱-۸۷۳ق) که پایتختش هرات بود، موفق شد نام ائمه (ع) را در خطبه نماز بیاورد. خلاصه التواریخ، موفقیت او در این کار را پس از هشتصد سال از آغاز اسلام دانست که هیچ‌کس هم توان مخالفت با او را نیافت. (حسینی قمی، ۱۳۸۳، ۶۵/۱) تکرار هفتگی خطبه خوانی و ذکر نام ائمه دوازده‌گانه شیعیان در جامعه شیعی و علاقمند به ائمه اطهار (ع) و معتقد به ولایت حقه آن بزرگواران و منتظران ظهور آخرین بازمانده آنها شعار دلبستگی جمعی و انتظار ظهور جامعه شیعی آن روزگار بوده است، البته سنت خطبه خوانی به نام امامان دوازده‌گانه شیعیان با اعتقاد به حیات حضرت حجت (عج) و انتظار ظهور ایشان قبل از سلطان حسین در جوامع شیعی اثنی عشری سابقه داشته است. منظور قمی بیان موفقیت وی در اجرای چنین مراسمی در شرق سرزمین اسلامی بوده است؛ زیرا بنابر گزارش ابن خلکان در منطقه نفوذ فاطمیان و به سال ۴۲ هـ.ق ابوعلی بن افضل (وزیر فاطمی) شیعه دوازده امامی بودن خود را اعلام کرد و دستور حذف نام اسماعیل بن جعفر الصادق (ع) را از خطبه‌ها داد و خطبه به نام حضرت حجه (عج) خواند

(ابن خلکان، ۱۹۰۰، ۲۳۶/۳). بنابراین، ارادت سلطان به ائمه اطهار (ع) و اعتقاد به ولایت ایشان و منتظر ظهور بودن مردم، زمینه‌های شکل‌گیری این‌گونه از شعائر انتظار بوده است.

۶-۸. آمادگی رزم در رکاب حضرت مهدی (عج)

یکی دیگر از شعائر انتظار ظهور که سالیان زیادی در برخی اجتماعات مردم شیعه اثنی‌عشری رواج داشته تجهیز اسب برای حضرت و تهیه سلاح و آمادگی رزمی مؤمنین بوده است. اولین شعائر انتظار ظهور به صورت تهیه اسب و آمادگی رزمی در مورد مردم کاشان گزارش شده است که هر روز یراق پوشیده، مسلح و سوار بر اسب منتظر ظهور حضرت بودند تا در صورت ظهور، آماده یاری‌رسانی به ایشان باشند. (حسینی قمی، ۱۳۸۳، ۶۵/۱) سنت و شعار آمادگی رزمی در سامرا نیز پیگیری می‌شد. مردم سامرا با مسلح و آماده نبرد شدن، اسبی زین‌شده را نیز کنار سرداب نگه می‌داشتند تا حضرت، هنگام ظهور بر آن سوار شود (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۴۴/۱). مردم شهر حله نیز شب‌ها درحالی که مسلح و آماده نبرد بودند از امیر شهر، اسب یا استری زین‌کرده گرفته و کنار مسجد حله می‌بردند و در آنجا منتظر می‌ماندند تا در صورت ظهور حضرت بر آن سوار شوند (ابن بطوطه، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۵۶/۲) و خود نیز حضرت را یاری کنند. در عصر سرداران نیز خواجه علی مؤید هر صبح و شب با اسب آماده، انتظار ظهور حضرت را می‌برد (شوشتری، ۱۳۷۷، ۳۶۷/۲). رواج تشیع در مناطق یاد شده، آشنایی توده مردم با احادیث مهدوی، اعتقاد بنیادین ولایت ائمه اطهار (ع)، انتظار ظهور بقیه‌الله (عج)، برچیدن بساط ظلم و جور، برقراری حکومت عدل و داد از سویی و وجود ظلم و فساد و تبعیض در جامعه از دیگر سو زمینه‌ساز توسل و توجه روزافزون مؤمنین انتظار منجی موعود و به‌پا داشتن سنت‌ها و شعائر انتظار ظهور در تاریخ جوامع شیعی بوده است. در چنین شرایطی شعائر انتظار ظهور گسترش می‌یافت.

۷. نتیجه‌گیری

در بازه زمانی مورد بررسی پژوهش حاضر یعنی، از برافتادن حکومت یکپارچه عباسیان بر سرزمین‌های اسلامی تا برآمدن حکومت مقتدر و یکپارچه صفویه در شرق اسلامی، در مناطق شرقی بلاد اسلامی حکومت مقتدری وجود نداشت و حاکمان با نفوذ محلی، اداره امور را در این مناطق به‌دست داشتند. در چنین حکومت‌هایی ظلم و فساد حاکمان و وابستگان آنها مردم را آزار می‌داد و رهایی از ظلم و جور حاکمان آرزوی بسیاری از آنها بود. به‌دلیل اعتقاد عموم مسلمانان به قیام مهدی موعود (عج) که برحسب روایات فریقین: «او خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد» نوعی اعتقاد به رفع ظلم و ستم توسط منجی، انتظار می‌رفت. همچنین، طنین شیعه‌گری در شرق اسلامی به علل مختلف بیش از سایر مناطق اسلامی انعکاس

یافته بود. مسئله انتظار ظهور مهدی موعود نیز در نزد شیعیان رونق زایدالوصفی داشت؛ زیرا اعتقاد به امام زنده‌ای که در پرده غیبت است و در صورت فراهم آمدن شرایط، ظهور می‌کند و بساط ظلم و جور را برمی‌چیند، انگیزه بیشتری برای انتظار ظهور و آمادگی برای حمایت از ایشان و زندگی در سایه‌سار وجود مبارک ایشان برای شیعیان می‌آفریند. بنابراین، هرجا اجتماعی از شیعیان وجود داشت بنابر تأکیدی که در روایات شیعی بر انتظار فرج و آمادگی برای عصر ظهور بقیه‌الله الاعظم وارد شده بود، به مقتضای شرایطی که داشتند شعائری را ابداع و بر آن مداومت می‌کردند. آنان که امکان تظاهر داشتند، سلاح می‌پوشیدند، زین و یراق بر اسب می‌نهادند و صبحگاهان بر دروازه شهر به انتظار ظهور می‌ایستادند. حاکمان به نام حضرتش سکه می‌زدند و به نام ایشان خطبه می‌خواندند و انتظار ظهورش را می‌کشیدند. آنان که امکان می‌یافتند در سامرا بر درب خانه و نزدیکی سرداب غیبت اجتماع می‌کردند و به انتظار ظهورش می‌نشستند و یا در مشهد حله اجتماع ندبه برپا می‌کردند و آنان که چنین امکاناتی نداشتند در اوقات خاصی مانند دهه آخر رمضان، دسته‌جمعی دعا و ظهور حضرتش را طلب می‌کردند.

شعائر انتظار ظهور منحصر به موارد ذکر شده در نوشتار حاضر نبود، ولی سعی صاحب این قلم بر آن بود که با بررسی منابع تاریخی، مواردی که در بازه زمانی موردنظر می‌توان به گزارش‌های تاریخی مستند کرد را جمع‌آوری و دسته‌بندی کند. براین اساس، هشت مورد از شعائر انتظار ظهور که ریشه تاریخی دارند، شناسایی و معرفی شد. در یک نگاه کلی می‌توان گفت که جریان سیال اندیشه مهدویت و وجود شعائر انتظار ظهور در بسیاری از مناطق سرزمین‌های خلافت شرقی تداوم داشته است، هرچند شعائر انتظار ظهور در مناطق مختلف با اشکال مختلف و یا همگون با سایرین بروز و ظهور یافته است. شعائر انتظار ظهور طی قرون متمادی در ترویج فرهنگ انتظار و انتقال آن به نسل‌های بعدی بسیار مؤثر بوده است. چه بسا گسترش تشیع در سرزمین‌های اسلامی و شکل‌گیری حکومت‌های شیعی در قرون بعد نیز تا اندازه‌ای وامدار وجود اینگونه شعائر بوده است.

فهرست منابع

۱. ابن بابویه، محمد (۱۳۹۵). کمال دین و تمام النعمه. تهران: اسلامیه.
۲. ابن بطوطه، شمس‌الدین ابی عبدالله محمد بن عبدالله اللواتی الطنجی (۱۴۱۷ ه.ق). رحله ابن بطوطه (تحفه النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار). مغرب: اکادمیه المملکه المغربیه.

۳. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۰۶ه.ق). منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدریه. سعودی: جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه.

۴. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۸ه.ق). دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب والبربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الاکبر. بیروت: دار الفکر.

۵. ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۹۰۰م). وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان. بیروت: دار صادر.

۶. ابن فرحون، (بی تا). تاریخ المدينه المنوره (نصیحه المشاور و تعزیه المجاور). بیروت: دار القلم.

۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ه.ق). البدایه و النهایه. بیروت: دار الفکر.

۸. اقبال، عباس (۱۳۸۷). تاریخ مغول. تهران: نگاه.

۹. جعفریان، رسول (۱۳۸۷). صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست، ج ۱، ۳، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

۱۰. تبریزی اصفهانی افندی، عبدالله. (بی تا). گزارش تفصیلی کتاب تحفه فیروزیه شجاعیه به دلیل سده سنیه سلطان حسینی. بی جا: بی تا، مصحح: رسول جعفریان، مبحث تشیع مردم کاشان.

۱۱. بغدادی، ابن شمائل، صفی الدین عبدالمؤمن بن عبدالحق (۱۴۱۲ه.ق). مرصدا لاطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع. بیروت: دار الجیل، بی تا.

۱۲. ترابی طباطبایی، سیدجمال (۱۳۵۵). سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران. تبریز: شفق.

۱۳. جان اسمیت (۱۳۶۱). خروج و عروج سربداران. مترجم: آژند، یعقوب. تهران: واحد مطالعات و تحقیقات فرهنگی و تاریخی.

۱۴. جعفرزاده، کبری (۱۳۹۵). بررسی پدیده روبه رشد انتظار و ظهور منجی (مهدویت) در عصر ایلخانیان. استاد راهنما: کریمی، علی رضا. استاد مشاور: دین پرست، ولی. کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.

۱۵. حافظ ابرو، عبدالله (۱۳۸۰). زبده التواریخ. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۶. حسینی قمی، احمد بن شرف الدین (۱۳۸۳). خلاصه التواریخ. تهران: دانشگاه تهران.

۱۷. حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۸۳). معجم البلدان. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

۱۸. خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین (۱۳۸۰). تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر. تهران: خیام.

۱۹. زریاب، عباس (۱۳۷۳). تهذیب و تلخیص روضه الصفا میرخواند. بی جا، بی نا.
۲۰. شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۷۷). مجالس المؤمنین. تهران: انتشارات اسلامیه.
۲۱. صفا، ذبیح الله (۱۳۷۸). تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوس.
۲۲. علاءالدینی، بهرام (۱۳۹۶). سکه‌های ایران: از انقراض ایلخانان مغول تا استیلای تیمور گورکان. تهران: برگنگار.
۲۳. علاءالدینی، بهرام (۱۳۹۵). سکه‌های ایران دوره ایلخانان مغول. تهران: برگنگار.
۲۴. قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳). آثارالبلاد و اخبار العباد. تهران: امیرکبیر.
۲۵. قلقشندی، احمد بن عبدالله (بی تا). صبح الاعشی فی صناعه الانشاء. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۶. کلینی، محمد (۱۴۰۷ ه.ق.). الکافی. تهران: اسلامیه.
۲۷. محبی، محمد (۱۳۹۵). اندیشه مهدویت در حکومت‌های شیعی از قرن چهارم تا نهم هجری. پشوی استاد راهنما: تقوی سنگدهی، سیده‌لیلا. استاد مشاور: امانی، بهرام. کارشناسی ارشد. دانشگاه زنجان.
۲۸. مستوفی، حمدالله (۱۳۸۱). نزهةالقلوب. قزوین: حدیث امروز.
۲۹. میرخواند، محمد بن خاوندشاه (۱۳۸۵). تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیا و الملوك والخلفا. تهران: اساطیر.
۳۰. نعمانی، محمد (۱۳۷۳). الغیبه. تهران: صدوق.